

## تحلیل راهبردی سواحل جنوب شرق ایران با هدف ارتقای کیفیت زندگی ساحل نشینان

محمدامین خراسانی

دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

### چکیده

ارتقای کیفیت زندگی، یکی از اساسی ترین اهداف برنامه ریزان توسعه است و در دهه های اخیر بهبود کیفیت زندگی جزء اهداف اصلی محققان جامعه، برنامه ریزان و کارگزاران دولتی بوده است. نواحی ساحلی جنوب شرق ایران به واسطه موقعیت ویژه جغرافیایی دارای مولفه های گوناگونی است. برخورداری از خط گسترده ساحلی، دسترسی به منابع دریایی فراوان، فاصله مناسب با کشورهای همسایه و امکان بهره بردن از بازار این کشورها برای توسعه صادرات محصولات تولید شده در این مناطق در زمره نقاط قوت و فرصت های موجود در این منطقه و مجاورت با مناطق دارای ضریب امنیت پایین و توسعه نیافتگی تاریخی منطقه نیز در زمره مهم ترین نقاط ضعف و تهدیدهای تاثیرگذار بر کیفیت زندگی ساکنان مجاور این سواحل است. نتایج این تحقیق نشان می دهد با بهره گیری از راهبرد تهاجمی می توان گام های موثری در راه ارتقای کیفیت زندگی ساحل نشینان جنوب شرق ایران برداشت.

واژه های کلیدی: تحلیل راهبردی، سواحل جنوب شرق، کیفیت زندگی

### ۱- مقدمه

در دهه های اخیر شناسایی، ارزیابی و بهبود کیفیت زندگی جزء اهداف اصلی محققان جامعه، برنامه ریزان و کارگزاران دولتی بوده است. بسیاری از دانشمندان در رشته های علمی همچون روانشناسی، پزشکی و علوم اقتصادی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و جغرافیا مفهوم یکسانی از کیفیت زندگی در مطالعات علمی خود بکار نمی برند و تعریف کامل و جامعی از کیفیت زندگی وجود ندارد. شاید این امر در نتیجه این واقعیت باشد که کیفیت زندگی متأثر از عناصر مهمی همچون زمان، مکان و همچنین ارزشهای اجتماعی و فردی است. تحقیق در زمینه کیفیت زندگی یک جامعه می تواند به عنوان ارزیابی و توصیفی از ماهیت یا شرایط زندگی یک منطقه یا کشوری خاص در نظر گرفته شود. کیفیت زندگی افراد یا گروههای اجتماعی بوسیله فاکتورهای بیرونی همچون تکنولوژی تولید، زیرساختها، ارتباطات با گروههای دیگر یا کشورها، مؤسسات مختلف در جامعه، محیط طبیعی و همچنین فاکتورهای درونی که انعکاس دهنده کنش متقابل میان ارزش های فردی و ارزش های فرهنگی است تعیین می شود.

قرن پیشین شاهد تغییرات چشمگیری در مورد دیدگاه آدمی نسبت به زندگی بوده است. به گونه ای که تنها حفظ زندگی به شکل معمول، مطلوب تلقی نمی شود، بلکه ارتقاء کیفیت زندگی در زمینه های متعدد تلاش اساسی جوامع تلقی می شود. اما این سخن به معنای برداشت مشابه افراد و فرهنگ های مختلف از کیفیت زندگی نیست، چه در عین وجود یک توافق مفهومی به طور کلی، در عین حال شاهد برداشت های مختلف افراد از کیفیت زندگی هستیم. بدین خاطر الگوهای متعددی از کیفیت زندگی مطرح شده اند که در عین همپوشی ها، تمایزهایی نیز دارند. برخی از الگوها بر سازه های شخصیتی به عنوان واسطه تاکید دارند، اما برخی دیگر بر کارآمدی اجتماعی افراد. بازخوانی مفاهیم متعدد کیفیت زندگی منجر به ارائه تعریفی از سوی گروه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت شده است. این تعریف برای درک فرد از موقعیت خود در بافتی از نظام های فرهنگی و ارزشی پیرامون در ارتباط با هدفها، انتظارات و استانداردها و علاقمندی های آنها تاکید دارد. در این نگاه کیفیت زندگی مفهومی فراگیر است که از سلامت فیزیکی، رشد شخصی، حالات روان شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی و روابط با نهادهای برجسته محیط تاثیر می پذیرد و نیز بر ادراک فرد مبتنی است. در واقع کیفیت زندگی گستره ای است دربرگیرنده ابعاد عینی و ذهنی که در تعامل با یکدیگر قرار دارند. از سوی دیگر باید توجه داشت که کیفیت زندگی مفهومی پویا است، چه ارزش ها و خود ارزشیابی های زندگی ممکن است در طی زمان در واکنش به رویدادها و تجارب زندگی و سلامتی متحول شوند، همچنین هر حوزه از کیفیت زندگی می تواند آثار قابل ملاحظه ای بر دیگر حوزه ها بگذارد (Newachek et al, 1992, p 361). همچنین کیفیت زندگی یک مفهوم متحرک و سیال است زیرا نتایج توسعه تعریف کننده ادراکاتی هستند که اهداف دست یافتنی توسعه پایدار را تشکیل می دهند. مضاف بر این که شرایط جدید ممکن است موجب ایجاد موضوعات جدیدی در کیفیت زندگی شود. به عنوان مثال، همان طور که کشورها از طریق صنعتی شدن ثروتمندتر می شوند، آلودگی یکی از موضوعات مربوط به کیفیت زندگی در سکونتگاه هایشان می گردد (Blom, 2002, 10).

مقدمات مورد اشاره نشانگر دو حرکت مهم است: نخست این که کیفیت زندگی امری پیچیده و چندگانه و در عین حال مورد توجه است. از طرف دیگر و به دلیل نخست و دیگر دلایل علمی، تلاش در جهت ارزشیابی و کمی کردن آن کاری دشوار است. بدین خاطر واریسی کیفیت زندگی می تواند به جنبه های مختلف یاری رساند. نشانگر ارزیابی مناسبی از خدمات و برنامه هایی است که برای جامعه طراحی شده است. برنامه هایی که به منظور بالا بردن کیفیت زندگی جمعیت ها و گروه های مختلف تنظیم شده است (Lau, 1985, p 1315).

## ۲- کیفیت زندگی

مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو در ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح باز می گردد، در آن دوران ارسطو زندگی خوب یا خوب انجام دادن کارها را به معنی شاد بودن در نظر گرفته است، لیکن در عین حال به تفاوت مفهوم شادی در افراد مختلف پرداخته است و ذکر نموده است سلامتی که باعث شادی در یک فرد بیمار می شود با ثروت که فرد فقیری را شاد می کند یکسان نمی باشند و به طور مشخص بیان نموده است که شادی نه تنها برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد بلکه برای یک فرد نیز در شرایط متفاوت معنی یکسانی نخواهد داشت. واژه کیفیت زندگی نخستین بار توسط پیگو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۰ در کتاب "اقتصاد و رفاه" مورد استفاده قرار گرفت. او در این کتاب در مورد حمایت دولتی از اقشار پائین و تاثیر آن بر زندگی آنها و سرمایه های ملی به بحث پرداخته بود. این مطلب تا بعد از جنگ جهانی دوم مسکوت ماند تا اینکه در اثر دو حادثه مهم مورد توجه قرار گرفت.

- سازمان جهانی بهداشت تعریفی از سلامت منتشر کرد که شامل سلامت جسمی، روانی و اجتماعی بود. این امر منجر به بحث گسترده ای در مورد سلامت و چگونگی اندازه گیری آن شد.
- وجود نابرابری های گسترده اجتماعی در جوامع غربی و سایر کشورها به دنبال پیامدهای جنگ جهانی و پیشرفت در زمینه علوم انسانی و علوم تجربی بود که موجب افزایش فعالیت های اجتماعی و در نتیجه ابتکارات سیاسی گردید. به مرور زمان محققین متوجه شدند که کیفیت زندگی می تواند یکی از پیامدهای پر اهمیت در ارزیابی های سلامت باشد، چنانچه تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز بر این نکته تاکید دارد (<http://epidemiology.blogfa.com>).

از لحاظ تاریخی اولین تلاش ها برای اندازه گیری کیفیت زندگی از جنبش شاخص های اجتماعی نشأت گرفته است (Biderman, 1974:27). اواخر دهه ۱۹۶۰م به طور رسمی آغاز جنبش شاخص های اجتماعی بود؛ دپارتمان بهداشت، آموزش و رفاه آمریکا، در سال ۱۹۶۹م، دو مقاله را در این زمینه منتشر کرد. کیفیت زندگی را می توانیم در مراحل فردی، خانواده و جامعه اندازه گیری نماییم. کیفیت زندگی را می توان به واسطه شاخص های تکوینی و انعکاسی سنجدید (Bullock, 2004).

کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش های فردی و اجتماعی است، که دارای ابعاد عینی و بیرونی، ذهنی و درونی می باشد و از این رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۹ به نقل از Epley & Menon, 2007). اصطلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می کنند، مثل آلودگی و کیفیت مسکن و همچنین به برخی صفات و ویژگی های خود مردم مثل سلامت و دسترسی اشاره دارد (Pacione, 2003: 19-30). کیفیت زندگی به معنای زندگی خوب داشتن و احساس رضایت از زندگی یا میزان واقعی رفاه تجربه شده به وسیله افراد و گروه ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصاد عمومی است. کیفیت زندگی یک فرد میزان برخورداری آن فرد را نشان می دهد، البته نه فقط در چیزهایی که او به آنها رسیده، بلکه تمام گزینه هایی که شخص فرصت انتخاب آنها را دارد. به بیان دیگر کیفیت زندگی وابسته به آزادی برای رسیدن و نرسیدن به موفقیت و آگاهی از فرصت های واقعی است که فرد در مقایسه با دیگران دارد (Macgregor: 1998). کیفیت زندگی ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام های فرهنگی و ارزشی جامعه و در رابطه با اهداف، انتظارات و استانداردها است. کیفیت زندگی ویژگی های کلی اجتماعی- اقتصادی محیط یک ناحیه را نشان می دهد، که می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع به کار رود. همچنین به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده تعریف شده است. در این راستا کیفیت زندگی روستا نیز به عنوان «چگونگی شرایط و وضعیت عینی زندگی خانواده ها و روستاییان» تعریف می شود (Pal and Kumar, 2005, 326). با توجه به تعاریف ارائه شده کیفیت زندگی یک مفهوم پیچیده و

<sup>1</sup>.Pigou

چند بعدی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (روستا، شهر و کشور) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی و کمی می‌باشد (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۸)، تمامی مطالعات کیفیت زندگی تحت دو سرفصل شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی صورت می‌گیرند. کیفیت زندگی وسعت نیازهای انسانی برآورده شده در ارتباط با ادراکات فرد و گروه از بهزیستی ذهنی در نظر گرفته می‌شود. نیازهای انسانی، نیازهایی برای امرار معاش، تولید مثل، بهزیستی، آزادی، مشارکت و ارتباطات هستند. بهزیستی ذهنی نیز به وسیله واکنش‌های افراد و گروه‌ها به سؤالاتی در مورد شادکامی و رضایت از زندگی تشخیص داده می‌شود. ارتباط بین برآورده شدن نیازهای انسانی و رضایت ادراک شده از هر یک، می‌تواند به وسیله ظرفیت روحی، زمینه فرهنگی، ارزش‌ها، اطلاعات، ارتباطات، تحصیلات و دوست داشتن تحت تأثیر واقع شود. علاوه بر این، ارتباط بین برآورده شدن نیازهای انسانی و بهزیستی ذهنی، به وسیله وزن‌هایی که افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها به برآورده شدن هر یک از نیازها نسبت به دیگر نیازها می‌دهند، تحت تأثیر واقع می‌شود.

یکی از نتایج این است که هر تخمین جامع از کیفیت زندگی باید معیارهای عینی و ذهنی را همزمان در نظر داشته باشد. دوم این که کیفیت زندگی نباید فقط با معیارهای عینی و یا ذهنی تعریف شود. هر دو دارای شاخص‌های ارزشمند کیفیت زندگی هستند. مضاف بر این که از آنجایی که رابطه ضعیفی بین این دو وجود دارد، هر دو نیاز دارند که در هر بررسی جهانی کیفیت زندگی مورد توجه قرار داشته باشند. سوم این که کیفیت زندگی نباید صرفاً به وسیله نیازها تعریف شود. دلیل اصلی این است که سطوح پایین نیازها لزوماً دارای رابطه با کیفیت زندگی نیستند. نیازها نشان دهنده نقصان هستند و اگر آن‌ها برای تعریف کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گیرند، در همان دام منطقی می‌افتند که کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در آن گرفتار شده است. چهارم این که کیفیت زندگی نباید به عنوان فرصت تعریف شود. دو دلیل برای این موضوع وجود دارد. اول این که فرصت‌های عینی موجود ممکن است به وسیله افراد چندان مثبت تلقی نشوند. دوم این که تجربه نمودن فرصت برای افزایش کیفیت زندگی، بیشتر شبیه یک متغیر علی است و نه یک نتیجه (Cummins, 2005, p 700).

در سال‌های اخیر، تأکید بر جنبه‌ها و چشم‌اندازهای ذهنی جای جنبه‌های عینی را در تعاریف از کیفیت زندگی، خصوصاً در مورد وضعیت عملکردی و نقش آفرینی افراد گرفته است. عدم همبستگی بین جنبه‌های عینی و ذهنی بهزیستی به معنای قابلیت اعتماد پایین داده‌های ذهنی نیست، چنانچه به طور سنتی در نظر گرفته شده است، بلکه این دو، دماسنج‌هایی هستند که در کنار هم، دمای دقیق تری را نشان می‌دهند (comfield et al, 2008, 766).

شاخص‌های اجتماعی عینی نشان دهنده رضایت ذهنی افراد از محیط زندگی خود نیستند. نتایج این شاخص‌ها لزوماً نشان دهنده گرایش‌های افراد نیستند. یک دلیل برای این پدیده این است که شاخص‌های عینی کیفیت زندگی در گذشته، عمدتاً بر مبنای مجموع داده‌های گردآوری شده بوده است، در حالی که داده‌های ذهنی عمدتاً مستلزم اندازه‌گیری میزان رضایت شخصی هستند. در نتیجه تفاوت در سطح تحلیل باعث عدم امکان نگرش یکپارچه به این دو و پیوند بین آن‌ها می‌شود. شاخص‌های عینی از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردارند اما از کاربردپذیری کمتری برخوردارند، در حالی که شاخص‌های ذهنی از قابلیت اعتماد کمتر و کاربردپذیری بیشتر، برخوردار هستند. علیرغم تفاوت بین هدف و رویکرد این دو، می‌توانند منعکس‌کننده مسیر تحولات اجتماعی باشند (Lee, 2008, p 1210).

در مقابل، معیارهای ذهنی عمدتاً بر مبنای واکنش‌های روانشناختی هستند مانند رضایت از زندگی، رضایت شغلی، خوشبختی شخصی، و مانند آن. علیرغم دیدگاه‌هایی که معتقدند این معیارها از اعتبار علمی کمتری برخوردارند، مزیت اصلی آن‌ها این است که آن‌ها به تجاربی که برای فرد دارای اهمیت هستند، توجه می‌کنند. از طریق اندازه‌گیری تجربه بهزیستی در یک بعد کلی مانند درجه رضایت، معیارهای ذهنی می‌توانند در قلمروهایی که شاخص‌های عینی حضور دارند، اندازه‌گیری شوند (Kim, 2002, p 50).

اما همان گونه که گفته شد، انسان با تصوراتش درباره واقعیت و برداشت‌ها و ذهنیت‌هایی که درباره واقعیت دارد، زندگی می‌کند. از این رو، متغیرها و مؤلفه‌های ذهنی کیفیت زندگی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و چه بسا بخش مهمی از احساس نارضایتی مردم مرفه در جوامع پیشرفته ناشی از عوامل ذهنی باشد. زیرا در این جوامع، شرایط عینی مطلوب، برای بخش مهمی از جمعیت، تا حدودی تحقق یافته است. معیارهای ذهنی کیفیت زندگی عبارت هستند از:

- نگاه فرد به زندگی: نگاه فرد به مرگ عزیز، رنج، بیماری، درد، کمبودها، فقر و محدودیت‌ها؛ تعریفی که شخص از زندگی و معنای آن دارد؛ فلسفه‌ای که آگاهانه برای زندگی خویش تعریف کرده و یا ناخودآگاه در ذهن دارد؛ نگاهش به طبیعت و به هستی. به طور کلی جهان بینی فرد که نگاهش را به زندگی شکل می‌دهد. جهان بینی آموختنی است؛
- این احساس فرد که حقوقش، البته حقوقی که بدان آگاهی دارد، تا چه حد در جامعه تأمین و یا پایمال می‌گردد؛

- ارزیابی فرد از این که تلاش‌های خانواده و جامعه تا چه حد به بهبود زندگی او و تأمین نیازهایش کمک کرده است؛
- نیازهای فرد، که به ویژه در جهان امروز، از ترکیبی پر تنوع و مدام در حال تغییر برخوردار است. فهرست نیازهای انسان معاصر به دلیل زندگی در محیطی که به شدت تحت کنترل بازاری است که محرک‌های نوآوری است، از مرز هزار نیاز گذشته است. موتور اقتصاد مدرن، مصرف لجام گسیخته است و جامعه مدرن بدون رشد مصرف نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. تبلیغات مدرن به هر ترفندی نیازی جدید می‌آفریند و شهوت داشتن و حرص خواستن را در فرد دامن می‌زند. به هر حال دامنه نیازهای مادی انسان مدام رو به گسترش است. ولی انسان در عین حال موجودی است متفکر، خودآگاه، کاوشگر که با کنترل نیازهای مادی و پرداختن به نیازهای معنوی، می‌تواند حلقه تنگ زندگی مادی را بشکند و به عرصه‌هایی پا گذارد که لذتش چیز دیگری است. با توجه به قابلیت شگفت انگیز ذهن انسان در تعریف و بازسازی واقعیت و توانایی دستکاری در جهان بینی، می‌توان گفت نیازهای معنوی نقشی اساسی در کیفیت زندگی دارند. مهم‌ترین این نیازها به این شرح هستند:
- کنجکاوی: انسان موجودی است که با کنجکاوی خود نه تنها به کشف و دستکاری در قوانین بنیادین طبیعت از جمله قوانین ماده و اطلاعات و ژن دست زده و برای خود سپهری آفریده، متفاوت با سپهر طبیعی و البته مصنوع انسان، بلکه افزون بر آن، می‌تواند فارغ از دغدغه کشف و یا اختراع و دستکاری و خلق، آزاد و بی خیال به تماشای طبیعت بنشیند و از درک سحر و افسون و کشف رازهای آن غرق در حیرت و لذت شود؛
- میل به شناخت و درک و فهم جهان پیچیده و پرابهام و گیج کننده؛
- تخیل و تجسم: ساختن واقعیت به هر شکل آن در ذهن و خیال و تلاش برای تحقق آن در قالب هنر، علم و تکنولوژی؛
- میل شدید به رشد و توسعه و یادگیری مستمر؛
- نیاز به جستجوی معنایی برای هستی و سعی در تعریف این معنا در رابطه خود با دیگران که تجلی آن عشق است و یا یافتن معنایی در رابطه با طبیعت و یا فضا و کیهان و یا در رابطه با خدا و با کل هستی؛
- نیاز به خود شکوفایی و تعالی و توسعه مستمر که به گفته ابراهام مازلو، روان شناس، عالی‌ترین سطح نیاز انسان است (Cummins, 2005, p 700).

### ۳- تحلیل وضعیت جنوب شرق ایران

جهت بررسی و تحلیل اهمیت منطقه جنوب شرق ایران و حاشیه شمالی و جنوبی خلیج فارس، بررسی و مطالعه مؤلفه های ذیل ضروری است:

#### ۳-۱- وضعیت طبیعی و موقعیت جغرافیایی

خلیج فارس به لحاظ وضعیت طبیعی و موقعیت جغرافیایی، از دیرباز حایز اهمیت بوده است. از یک سو، این منطقه حلقه ارتباطی میان شرق و غرب بوده و از سوی دیگر به دلیل داشتن تنگه هرمز که یکی از استراتژیک ترین تنگه های جهان است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به عبارت دیگر خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر استراتژیک در منطقه خاورمیانه، به عنوان بزرگ ترین و مهم ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره مطرح است و بخشی از یک مجرای ارتباطی را که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم می پیوندد، تشکیل می دهد. به همین دلیل این موقعیت از روزگاران پیشین، مورد توجه قدرت های جهانی بوده و بازرگانان کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل کرده و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا می بردند.

خلیج فارس یکی از مناطق استراتژیک جهان است. برخورداری از ۶۵۲ درصد منابع نفتی، ۳۰ درصد ذخایر گازی دنیا، منابع غنی دریایی مانند جانوران دریایی، مروارید، ماهی، بازار پرمصرف و غنی و موقعیت استراتژیک تنگه هرمز خلیج فارس و سواحل آنرا به مرکز و قطب عالم تبدیل کرده است. از سوی دیگر، بحث اهمیت استراتژیک خلیج فارس بدون بررسی مسائل تنگه هرمز کامل نخواهد بود، زیرا این تنگه به عنوان مدخل خلیج فارس، تأثیر ویژه ای بر حوادث منطقه دارد. تنگه هرمز با طول حدود ۱۵۸ کیلومتر و عرض حداقل ۵۶ و حداکثر ۱۸۰ کیلومتر و عمق ۱۱۵ متر، یکی از استراتژیک ترین گذرگاه های جهان به شمار می آید که خلیج فارس را از راه دریای عمان، اقیانوس هند و خطوط کشتیرانی بین المللی به دریای آزاد پیوند می دهد. همچنین این تنگه به عنوان راه ورودی و خروجی خلیج این آبراه به علت موقعیت خاص استراتژیک، شاهرگ حیات اقتصادی جهان محسوب می شود. فارس، از موقعیت ژئواستراتژیکی برخوردار است. به دلیل آنکه روزانه قریب چهل درصد نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می کند، احاطه بر این موقعیت (http://www.gsi.ir/geomilitary/groundCategories.php) گذرگاه امکان کنترل عبور و مرور نفتکش ها را در منطقه فراهم می آورد

#### ۳-۲- ذخایر عظیم نفت و گاز

مهم ترین عامل استراتژیک خلیج فارس وجود منابع عظیم نفت و گاز است، به گونه ای که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده اند. همچنین به دلیل آنکه تحولات نظام بین الملل بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر از آن کسی خواهد بود که بر انرژی جهانی، به ویژه نفت و گاز تسلط یابد، بنابراین جای تعجب نیست که خلیج فارس به عنوان بزرگ ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گیرد. یکی دیگر از منابع پر اهمیت انرژی، «گاز طبیعی» است. میزان قابل توجهی از این انرژی در منطقه خلیج فارس وجود دارد. تحقیقات نشان می دهند که بیشترین رشد ذخایر گاز جهان مربوط به دو ناحیه اتحاد شوروی سابق و کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است.

(<http://www.gsi.ir/geomilitary/groundCategories.php?lang=fa&id=۱۰&nP=۳>)

### ۳-۳- بازار مصرف

جمعیت قریب صد میلیونی حوزه خلیج فارس و دریای عمان که مشمول درآمدهای نفتی می شود، بازار مصرفی کشورهای صنعتی غرب هستند. در نتیجه بر سر تصرف این بازار و جذب دلارهای نفتی آن، بین قدرت های اقتصادی غرب، همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و اخیراً روس ها رقابت هایی وجود دارد. سالیانه میلیاردها دلار پول های باد آورده نفتی خرج سلاح های جنگی غربی می شود و به دلیل کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص در زمینه تولیدات نظامی و صنایع مربوط به آن، این منطقه از مهم ترین بازار فروش این گونه خدمات به شمار می آید.

(<http://www.gsi.ir/geomilitary/groundCategories.php?lang=fa&id=۱۰&nP=۳>)

### ۳-۴- تنوع قومی و مذهبی

موضوع تنوع قومی و مذهبی در مورد ملت هایی مصداق دارد که مرکب از اقوام مختلف باشند؛ اقوامی که به دلایل مختلف از جمله اسطوره مشترک، فرهنگ عمومی، معیشت اقتصادی واحد و حقوق و تعهدات مشترک برای همه، به شکل ملت درمی آیند (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ۴۴). استان سیستان و بلوچستان واقع در جنوب شرقی ایران، منطقه ای از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه بلوچ نشین افغانستان، پیوند فضایی و جغرافیایی دارد. پیوند های قومی- قبیله ای میان مردم ساکن در مرزهای جنوب شرق ایران با مردم پاکستان و افغانستان وجود دارد. این امر منجر به خیزش های جدایی خواهانه و مسلحانه قومی، حرکت های چریکی و جنگ های جهادی شده است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹، ۱۴۱).

### ۳-۵- انزوای جغرافیایی

یکی از ویژگی های اصلی مناطق مرزی از جمله سواحل جنوب شرق کشور، دوری از بخش مرکزی است. فرایند عدم توجه و رسیدگی به مناطق مرزی، به گونه ای است که این مناطق، عدم تعادل شدیدی را با مناطق مرکزی پیدا کرده و به شدت در محرومیت باقی مانده اند (سعیدی، ۱۳۸۶، ۲۶۰). این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می شود، پیامدهای نامطلوبی برای مناطق مرزی دارد. مهم ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج توسعه ای کشور است (عندلیب، ۱۳۸۰، ۲۰۲).

### ۳-۶- حضور قدرت های فرامنطقه ای

معمولاً حضور قدرت های فرامنطقه ای در یک منطقه با توجه به شرایط حساس آن منطقه زمینه ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرت ها با برخی از کشورهای منطقه و خصوصاً با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می سازد. گسترش یا کاهش روابط این کشورها با ایالات متحده آمریکا برای ایران تأثیر مستقیم داشته و می تواند اثرات جدی بر امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران به ویژه در جنوب شرق کشورمان داشته باشد (پورخسروانی، ۱۳۸۸).

### ۳-۷- تهدیدهای امنیتی

آنچه در حادثه های تروریستی در مناطق جنوب شرق ایران، حائز توجه و اهمیت است، امنیت تروریسم در خاک پاکستان می باشد. پاکستان در سال های اخیر همواره کانون اقدام های تروریستی و خشونت های بی شمار بوده است. حوادث تلخ شهادت هموطنان در سال های اخیر در مرزهای شرقی و جنوب شرقی کشور، مبین این حقیقت است که ساماندهی و هدایت جریان های تروریستی از خاک پاکستان صورت می گیرد و تروریست ها و عوامل نفوذی قادر به عبور از مرزهای این کشور به داخل ایران و بازگشت دوباره هستند.

### ۳-۸- قاچاق مواد مخدر

صدور مواد مخدر از شرق و جنوب شرق جمهوری اسلامی ایران برای مصرف داخلی و انتقال آن به بازارهای جهانی به ویژه اروپا، در ردیف مهمترین منابع ناامنی و بحران در این منطقه از کشور می باشد. از نگاه برخی از مسئولان کشور، مکانیزم ورود، توزیع و حمل و نقل مواد مخدر، بخشی از توطئه امپریالیسم علیه ایران و هدف نهایی آن، ایجاد اختلال در امنیت داخلی و گسترش فساد بین شهروندان به ویژه جوانان است (کریمی پور، ۱۳۷۹، ۱۵۰).

### ۳-۹- بحران های داخلی افغانستان

یکی دیگر از مشکلاتی که کشور ایران از گذشته های دور تا به امروز با آن دست به گریبان بوده و هنوز هم ادامه دارد، اوضاع آشفته کشور افغانستان است. این کشور در همسایگی ایران و پاکستان قرار گرفته و مرزهای طولانی با هر دو کشور دارد. وجود ثبات و امنیت در افغانستان از دغدغه های اساسی ایران است.

### ۳-۱۰- جاذبه های ژئوتوریستی و گردشگری

سرزمین های جنوبشرق ایران با در برگرفتن پدیده های منحصر به فرد زمین ساختی، جلوه های بدیع از پدیده های ژئومورفولوژیکی را در محدوده کوچک و در دسترسی به نمایش علاقه مندان ، گردشگران صنعت ژئوتوریسم می گذارد. فروافتادگی دشت سیستان و بزرگترین دریاچه رو به خشکی گرائیده آب شیرین ایران(دریاچه هامون هیرمند) در سرزمین های مرزی ایران و افغانستان، بزرگترین منابع آریست ایران در منطقه حاجات، گرانت فلیش افیولیت جنوبشرق در منطقه زاهدان و میرجاوه به همراه آخرین بقایای پالئوتتیس در این منطقه، سرزمین متنوع دشت لوت با بزرگترین کلت ها، تلماسه ها و مرتفع ترین نیکها، تنها آتشفشان نیمه فعال فلات پهناور ایران یعنی تفتان، گلغشان درون قاره ای ایران یعنی گلغشان پیرگل، سواحل منحصر به فرد برآمده فعال دنیا در منطقه چابهار، تنها بنادر و خلیج های اقیانوسی ایران، فعالیت گسل ها، رودخانه ها و رخنمون های متعدد، به همراه ویژگی های منحصر به فرد زیست محیطی از تالاب ها، همچون تنها تالاب بین المللی آب شیرین ایران در دشت سیستان، تالاب های متعدد بین المللی در کناره دریای عمان، گستره وسیعی از جنگل های حرا، برخی از پدیده های ژئوتوریستی با ویژگی های منحصر به فرد و گاه با اعتبار جهانی منطقه جنوبشرق ایران هستند.

### ۴- تحلیل راهبردی جنوبشرق ایران به منظور ارتقای کیفیت زندگی ساحل نشینان

برنامه ریزی برای توسعه منطقه جنوبشرق، در گرو بررسی دقیق و شناخت از منطقه مورد مطالعه است و با استفاده از مدل هایی این تحلیل امکان پذیر است. فرصتها و تهدیدهای محیط پیرامونی و نقاط قوت و ضعف داخلی منطقه ساحلی جنوبشرق ایران با تحلیل SWOT با رویکرد ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ساکن در نقاط شهری و روستایی واقع در کناره سواحل جنوبشرق ایران به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت. در جداول پیش رو، نتایج حاصل از مصاحبه با دانشجویان دکتری و فارغ التحصیلان رشته جغرافیا برای ارائه راهبردهای مناسب برای ارتقای کیفیت زندگی مردم ساکن در روستاها و شهرهای آمده است.

#### ۴-۱- ماتریس ارزیابی عوامل خارجی :

با استفاده از این ماتریس، هر یک از عوامل استراتژیک محیط خارجی که در ماتریس اولویت عوامل خارجی شناسایی و اولویت بندی شده اند، مورد ارزیابی قرار می گیرند و از بررسی این عوامل ، فرصت ها و تهدیدها شناسایی می شوند. عوامل اولویت دار در یک ستون ماتریس قرار گرفته و با استفاده از ضرایب و رتبه های خاصی امتیازبندی می شوند تا در نهایت مشخص شود که آیا سازمان در آینده ای که می خواهیم برای آن برنامه ریزی کنیم، فرصت های بیشتری خواهد داشت یا با تهدیدهای بیشتری مواجه خواهد شد (اعرابی، ۱۳۸۹، ۲۲).

#### جدول ۱- ارزیابی عوامل بیرونی

فرصت ها	ضریب اهمیت وزن	رتبه ( ۳ و ۴ ) ( )	نمره
O1 - امکان بهره برداری از منابع دریایی گسترده موجود در دریای عمان	۰/۱۲	۴	۰/۴۸
O2 - نزدیکی به بازار مصرف گسترده کشورهای جنوب دریای عمان	۰/۱۲	۴	۰/۴۸
O3 - امکان دسترسی به آب های آزاد و بهره گیری از منافع گسترده آن	۰/۱۲	۴	۰/۴۸
O4 - دسترسی به مراکز دانشگاهی معتبر در سطح ملی مانند دانشگاه های سیستان و بلوچستان و زابل	۰/۰۹	۳	۰/۲۷
O5 - قابلیت توسعه فعالیت های اقتصادی محلی در پاکستان و افغانستان به دلیل قرابت های فامیلی و قومی	۰/۰۹	۳	۰/۲۷
تهدیدها	ضریب اهمیت وزن	رتبه ( ۲ و ۱ ) ( )	نمره

۰/۲۴	2	۰/۱۲	T1 - همسایگی با کشور پاکستان و متاثر شدن از ناامنی های این کشور
۰/۲۴	2	۰/۱۲	T2 - نزدیکی به مرز افغانستان و قرار گرفتن در معرض تهدیدات امنیتی و تولید مواد مخدر در این کشور
۰/۲۴	2	۰/۱۲	T3 - انزوای جغرافیایی نسبت به مرکز سیاسی اقتصادی کشور
۰/۱۰	1	۰/۱۰	T4 - قرار داشتن در معرض ناامنی های دریایی محتمل
۲/۸۰		۱	جمع

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۱

#### ۴-۲- ماتریس ارزیابی عوامل داخلی :

عوامل داخلی، عواملی هستند که مربوط به درون سازمان هستند و برخلاف عوامل خارجی در کنترل مدیریت سازمان می باشند (عربی، ۱۳۸۹: ۲۷). در فرآیند بررسی عوامل داخلی پس از اینکه عوامل کلیدی داخلی ( قوت ها و ضعف ها) شناسایی شدند، این عوامل مورد ارزیابی قرار می گیرند تا مشخص شود که سازمان در مجموع دارای قوت است یا ضعف.

اگر امتیاز بیش از ۲,۵ باشد قوت غلبه بر ضعف و اگر امتیاز کمتر از ۲,۵ باشد ضعف غلبه بر قوت دارد (همان منبع:صص ۳۳-۳۴).

#### جدول ۲- ارزیابی عوامل درونی

نمره	رتبه (۳ و ۴)	ضریب اهمیت وزن	نقاط قوت
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	S1- مجاورت با سواحل گسترده خلیج فارس
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	S2- برخورداری از نیروی انسانی فراوان
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	S3- برخورداری از زمین فراوان و ارزان جهت توسعه فعالیت های اقتصادی
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	S4- بومی بودن فرهنگ مردم محلی و عدم گسترش فرهنگ مصرف گرایی
۰/۱۲	3	۰/۰۴	S5- امکان توسعه کشت محصولات کشاورزی مربوط به مناطق استوایی
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	S6- وجود بنادر بزرگ با برد بین المللی
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	S7- امکان پذیرایی از گردشگران داخلی و خارجی در فصول سرد سال در کشور به دلیل برخورداری از آب و هوای متفاوت با سایر مناطق کشور و سایر کشورهای نیمکره شمالی
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	S8- برخورداری از جاذبه های ژئو توریستی منحصر به فرد و جاذب گردشگر
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	S9- پایین بودن نرخ برخی ناهنجاری های اجتماعی مانند طلاق در قیاس با اغلب استان های کشور
نمره	رتبه (۲ و ۱)	ضریب اهمیت وزن	نقاط ضعف
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W1 - انزوای جغرافیایی و فاصله زیاد نسبت به مرکز استان
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	W2 - تنوع قومی مذهبی
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	W3 - عدم توسعه اقتصادی اجتماعی همپای مناطق دیگر در استان و کشور
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	W4 - توسعه مشاغل کاذب
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W5 - گسترش فعالیت های مرتبط با قاچاق کالا و مواد مخدر
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	W6 - ضعف در اجرای برنامه های توسعه ای مصوب نهادهای مختلف دولتی
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W7 - ضعف توسعه صنایع
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W8 - محرومیت مضاعف روستاهای منطقه علیرغم برخورداری از سهم قابل توجهی از جمعیت منطقه
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W9 - خشکسالی های متعدد
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W10 - طوفان های متعدد گردوغبار
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W11 - مهاجرت های روستایی- شهری گسترده
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W12 - توسعه ناکافی بخش حمل و نقل زمینی
۲/۷۲		۱	جمع

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۱

جمع نمرات به دست آمده از ماتریس عوامل داخلی ۲,۳۵ می باشد که نشان دهنده غلبه ضعف بر قوتها می باشد. در مرحله بعد به منظور بررسی استراتژی های موثر در شکل گیری همگرایی از روش SWOT استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل SWOT, مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدها را شناسایی کرده و استراتژی های متناسب موقعیت کنونی مورد بررسی را منعکس می سازد. در این مدل فرصت ها و تهدیدها نشان دهنده چالش های مطلوب و یا نامطلوب عمده ای است که در محیط مورد نظر وجود داشته و در مقابل، قوت ها و ضعف ها (شایستگی ها، توانایی ها، مهارت ها، کمبودها) وضعیت محیط داخلی سیستم را به نمایش می گذارد و با تحلیل این عوامل جایگزین های مختلف استراتژی ایجاد می گردد. مدل SWOT در حالت معمولی متشکل از یک جدول مختصاتی دو بعدی است که هر یک از چهارنواحی آن نشانگر یک دسته استراتژی می باشد. استراتژی های مطرح در مدل SWOT عبارت هستند از :

۱. حداکثر استفاده از فرصت ها با استفاده از نقاط قوت (ناحیه ۱) (استراتژی های SO)
  ۲. استفاده از مزایای نهفته در فرصت ها برای جبران نقاط ضعف (ناحیه ۲) (استراتژی های WO)
  ۳. استفاده از نقاط قوت سازمان برای جلوگیری از تهدیدها (ناحیه ۳) (استراتژی های ST)
  ۴. به حداقل رساندن زیان های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (ناحیه ۴) (استراتژی های WT)
- جدول ۳- نحوه تعیین استراتژی ها

عوامل داخلی عوامل محیطی	فهرست قوتها (S)	فهرست ضعفها (W)
فهرست فرصتها (O)	ناحیه ۱ استفاده از فرصتها با استفاده از نقاط قوت (SO)	ناحیه ۲ از مزایایی که در فرصت نهفته است استفاده نماییم برای جبران نقاط ضعف (WO)
فهرست تهدیدها (T)	ناحیه ۳ استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها (ST)	ناحیه ۴ به حداقل رساندن زیانهای ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (WT)

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۱

در این مرحله با توجه به اطلاعات حاصل از مراحل قبل، عوامل اصلی داخلی (قوتها و ضعف های کلیدی) و عوامل اصلی خارجی (فرصت ها و تهدیدهای راهبردی) با هم تطبیق داده می شوند و در واقع بین آنها نوعی توازن برقرار می شود. در این مرحله عوامل داخلی و خارجی با استفاده از ماتریس SWOT و ماتریس داخلی و خارجی IE تطبیق داده می شوند تا استراتژی هایی شناسایی شوند که متناسب با عوامل داخلی و خارجی سازمان باشند (اعرابی، ۱۳۸۹: ۶۸). در ماتریس داخلی و خارجی چهار خانه ای، جمع نمره های نهایی بر روی محور X ها از ۱ تا ۲,۵ نشان دهنده ضعف داخلی و نمره ۲,۵ تا ۴ بیانگر قوت است. به همین شیوه جمع نمره های نهایی ماتریس ارزیابی عوامل خارجی از ۱ تا ۲,۵ بیانگر ضعف و نمره های ۲,۵ تا ۴ بیانگر وضعیت مناسب و مطلوبی است. قرار گرفتن نقطه تقاطع در هر یک از چهار ربع مذکور، نشان دهنده نوع استراتژی است که دارای ارجحیت در انتخاب است. با توجه به جمع نمرات به دست آمده از ماتریس عوامل خارجی که ۲/۸۰ و جمع نمرات ماتریس عوامل داخلی که ۲/۷۲ است نوع استراتژی که باید مورد استفاده قرار بگیرد تهاجمی می باشد.





<p>نقاط ضعف: <b>W1</b> - انزوای جغرافیایی و فاصله زیاد نسبت به مرکز استان، <b>W2</b> - تنوع قومی مذهبی، <b>W3</b> - عدم توسعه اقتصادی اجتماعی همبای مناطق دیگر در استان و کشور، <b>W4</b> - توسعه مشاغل کاذب، <b>W5</b> - گسترش فعالیت های مرتبط با قاچاق کالا و مواد مخدر، <b>W6</b> - ضعف در اجرای برنامه های توسعه ای مصوب نهادهای مختلف دولتی، <b>W7</b> - ضعف توسعه صنایع، <b>W8</b> - محرومیت مضاعف روستاهای منطقه علیرغم برخورداری از سهم قابل توجهی از جمعیت منطقه، <b>W9</b> - خشکسالی های متعدد، <b>W10</b> - طوفان های متعدد گردوغبار، <b>W11</b> - مهاجرت های روستایی- شهری گسترده، <b>W12</b> - توسعه ناکافی بخش حمل و نقل زمینی</p>	<p>نقاط قوت: <b>S1</b> - مجاورت با سواحل گسترده خلیج فارس، <b>S2</b> - برخورداری از نیروی انسانی فراوان، <b>S3</b> - برخورداری از زمین فراوان و ارزان جهت توسعه فعالیت های اقتصادی، <b>S4</b> - بومی بودن فرهنگ مردم محلی و عدم گسترش فرهنگ مصرف گرایی، <b>S5</b> - امکان توسعه کشت محصولات کشاورزی مربوط به مناطق استوایی، <b>S6</b> - وجود بنادر بزرگ با برد بین المللی، <b>S7</b> - امکان پذیرایی از گردشگران داخلی و خارجی در فصول سرد سال در کشور به دلیل برخورداری از آب و هوای متفاوت با سایر مناطق کشور و سایر کشورهای نیمکره شمالی، <b>S8</b> - برخورداری از جاذبه های ژئو توریستی منحصر به فرد و جاذب گردشگر، <b>S9</b> - پایین بودن نرخ برخی ناهنجاری های اجتماعی مانند طلاق در قیاس با اغلب استان های کشور</p>	
<p>راهبردهای <b>WO</b> <b>WO1</b> - بهره گیری از مزیت نسبی موجود در بخش اقتصاد صیادی جهت توسعه اقتصادی روستاها، <b>WO2</b> - بهره گیری از توان علمی موجود در دانشگاه های معتبر استان جهت پیشبرد اهداف توسعه ای، <b>WO3</b> - توسعه نظام آموزش عالی در نواحی ساحلی با توجه به مزیت های نسبی منطقه و اهداف آمایش سرزمین، <b>WO4</b> - بازاریابی محصولات کشاورزی و صنعتی ناحیه ساحلی در کشورهای پاکستان و افغانستان با بهره گیری از شبکه های اجتماعی موجود بین ایران مردم ناحیه و ساکنین این کشورها</p>	<p>راهبردهای <b>SO</b> <b>SO1</b> - تشکیل و توسعه تعاونی های صیادی جهت بهره گیری از مزایای نسبی اقتصادی منطقه در بخش صیادی، <b>SO2</b> - افزایش بهره وری از منابع و عوامل تولید دریایی، <b>SO3</b> - بهره گیری از فارغ التحصیلان بومی دانشگاه های استان جهت توسعه آموزش عالی، <b>SO4</b> - توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش صیادی، <b>SO5</b> - افزایش سرمایه گذاری در توسعه اسکله های محلی، <b>SO6</b> - توسعه تبلیغات جاذبه های گردشگری موجود در کشورهای حاشیه خلیج فارس</p>	<p>نقاط فرصت: <b>O1</b> - امکان بهره برداری از منابع دریایی گسترده موجود در دریای عمان، <b>O2</b> - نزدیکی به بازار مصرف گسترده کشورهای جنوب دریای عمان <b>O3</b> - امکان دسترسی به آب های آزاد و بهره گیری از منافع گسترده آن، <b>O4</b> - دسترسی به مراکز دانشگاهی معتبر در سطح ملی مانند دانشگاه های سیستان و بلوچستان و زابل، <b>O5</b> - قابلیت توسعه فعالیت های اقتصادی محلی در پاکستان و افغانستان به دلیل قرابت های فامیلی و قومی</p>
<p>راهبردهای <b>WT</b> <b>WT1</b> - توسعه حمل و نقل ریلی برای خروج اقتصادی اجتماعی ناحیه ساحلی از انزوا، <b>WT2</b> - تهیه برنامه های آمایشی مخصوص ناحیه ساحلی با رویکرد امنیت</p>	<p>راهبردهای <b>ST</b> <b>ST1</b> - توسعه فعالیت های گردشگری با هدف توسعه کلان در سطح ناحیه و افزایش ضریب امنیتی، <b>ST2</b> - تقویت و توسعه روابط دو جانبه در منطقه</p>	<p>نقاط تهدید: <b>T1</b> - همسایگی با کشور پاکستان و متاثر شدن از ناامنی های این کشور، <b>T2</b> - نزدیکی به مرز افغانستان و قرار گرفتن در معرض تهدیدات امنیتی و تولید مواد مخدر در این کشور، <b>T3</b> - انزوای جغرافیایی نسبت به</p>

<p>اجتماعی و توسعه اقتصادی، WT3 - بهبود روابط با کشورهای پاکستان و افغانستان در سطح سیاست های کلان ملی، WT4 - تهیه و تدوین برنامه های ویژه مقابله با مخاطرات محیطی در سطح ناحیه و اختصاص ردیف بودجه ای مشخص برای آن در بودجه ملی، WT5 - در نظر داشتن تدابیر پدافند عامل و غیرعامل برای بالا بردن ضریب امنیت سکونتگاه های ساحلی ناحیه جنوبشرق</p>	<p>جنوبشرق با کشورهای پاکستان و افغانستان با استفاده از ظرفیت هایی مانند بنادر بزرگ در سطح ناحیه</p>	<p>مرکز سیاسی اقتصادی کشور، T4 - قرار داشتن در معرض ناامنی های دریایی محتمل</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------

## ۵- نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول آخر مشخص می شود که باید استراتژی های تهاجمی با هدف توسعه منطقه در نظر گرفته شوند تا بتوان کیفیت زندگی مردم را ارتقا داد. نکته ای که در این میان جلب توجه می کند، این است که این راهبردها عمدتاً دارای ابعاد اقتصادی هستند. مهم ترین عامل محرومیت مردم این منطقه، ضعف یا فقدان توسعه اقتصادی می باشد و همین امر در تعیین استراتژی ها توسط متخصصین مورد توجه قرار گرفته است و نشانگر این موضوع است که برای ارتقای کیفیت زندگی مردم این منطقه، چاره ای جز توجه به توسعه اقتصادی روستاها و شهرهای ساحلی منطقه جنوبشرق کشور نداریم.

## منابع:

۱. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹) امنیت و توسعه در مرزهای جنوب خاوری ایران و برنامه ریزی راهبردی برای آن، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره های نهم و دهم، خرداد و تیر.
۲. اعرابی، سید محمد (۱۳۸۹)، دستنامه برنامه ریزی راهبردی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۳. پورخسروانی، انیس (۱۳۸۸) همکاری ایران و پاکستان در عرصه امنیت انسانی: موانع و راهکارها  
<http://www.birjand.ac.ir/ichswa/downloads/14%20pourkhosravani%A.pdf>.
۴. سعیدی، علی اصغر و خالد اسماعیل زاده (۱۳۸۶) نقش بازارچه های مرزی در تأمین امنیت مناطق مرزی، مجموعه مقالات همایش مرز چالش ها و فرصت ها، ارومیه، انتشارات ادیبان.
۵. صاحب زاده، بهروز (۱۳۹۰) توصیف ویژگیهای ژئومورفولوژیکی جنوبشرق ایران با رویکرد توسعه ژئوتوریسم علمی محیط زیست، کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشگاه تهران.
۶. صالحی امیری، رضا (۱۳۸۵) مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۷. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰) نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۸. کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹) ایران و همسایگان: منابع تنش و تهدید، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
۹. کویکی، افشین و همکاران (۱۳۸۴) برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص ها، مجله جستارهای شهرسازی، سال چهارم، شماره ۱۲.
10. Biderman, A. D. (1974). Social indicators. In Robert L. Clewett & Jerry C. Olson (Eds.) *whence and whither in social indicators and marketing* (pp.27-44), Chicago: American Marketing Association.
11. Blom, D & Craig, P & Malanay, P (2002) *the Quality of life in rual Asia*, Asian Development Bank.
12. Bullock, b .s, Susie j, (2004), *An analysis of Technolgy use and quality of life in a rural west Texas community*, university of Texas. Texas.
13. Comfield, Laura and Skevington, Suzanne (2008) *On Subjective Well-being and Quality of Life*, *Journal of Health Psychology*, Vol 13; pp 764-775.
14. Cummins. R. A (2005) *Moving from the quality of life concept to a theory*, *Journal of Intellectual disability research*, Vol 49, pp 699- 706.
15. Epley, D. & Menon, M (2008) *A method of assembling cross sectional indicators in to a community quality of lifem Soc Ind Res*, Vol 88, pp 281-296.
16. Kim, Kyungmi (2002) *THE EFFECTS OF TOURISM IMPACTS UPON QUALITY OF LIFE OF RESIDENTS IN THE COMMUNITY*, Dissertation In Hospitality and Tourism Management , Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University In partial fulfillment of the requirements, Blacksburg, Virginia.
17. Lau Leby, Jasmine & Hashim, Ahmad Hariza(2010) *Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighbourhood ResidentS*, *Journal of Construction in Developing Countries*, Vol. 15(1), 67–91.
18. Lee, Yung-Jaan (2008) *Subjective quality of life measurement in Taipei*, *Building and Environment* Vol 43, pp 1205–1215.
19. Mcgregor, S.L.T, (1998), *The impact of economic reform on Gahanian families*. *Canadian Home Economics Journal* Vol. 18, No. 1.
20. Newachek. P & Taylor, W( 1992)*Childhood chronic illness: Prevalence severity and impact*, *American journal of public health*, vol 82, pp 364-371.
21. Pacione, M., (2003), *Urban environmental quality and human wellbeing—a social geographical perspective*. *journal of Landscape and Urban Planning* , Vol:65 No.2,p.p 19–30
22. Pal, A. K., Kumar, U. C, (2005), *Quality of life concept for the evaluation of societal development of rural community in west bangal, India* , *Rural Development*, Vol xv, No 2.
23. <http://www.gsi.ir/geomilitary/groundCategories.php> visited at 10 August 2012.
24. <http://www.epidemiology.blogfa.com>, visited at 25 August 2011.